حقّ جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده.

الیوم دین الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدّده را سبب و علّت بغضا ننمائید این اصول و قوانین و راههای محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و این اختلافات نظر بمصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده ای اهل بهاء کمر همّت را محکم نمائید که شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد حبّاً للّه و لعباده بر این امر عظیم خطیر قیام نمائید ضغینه و بغضای مذهبی ناری است عالم‌سوز و اطفاء آن بسیار صعب مگر ید قدرت الهی ناس را از این بلاء عقیم نجات بخشد...

مشکوة بیان را این کلمه بمثابهٴ مصباح است ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار بکمال محبّت و اتّحاد و مودّت و اتّفاق سلوک نمائید قسم بآفتاب حقیقت نور اتّفاق آفاق را روشن و منوّر سازد حقّ آگاه گواه این گفتار بوده و هست جهد نمائید تا باین مقام بلند اعلی که مقام صیانت و حفظ عالم انسانی است فائز شوید این قصد سلطان مقاصد و این امل ملیک آمال ولکن تا افق آفتاب عدل از سحاب تیرهٴ ظلم فارغ نشود ظهور این مقام مشکل بنظر می آید...

ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه‌ئی و یا جوهری است که دون شما از آن محروم بلسان محبّت و شفقت القا نمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل والّا او را باو گذارید و در بارهٴ او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائدهٴ روح و بمثابهٴ معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی...